

جایگاه جامعه آرمانی در چشم انداز عاشورا و انتظار

سمیه لطفی، خانم احمدی

چکیده

ارتباط میان رخداد عظیم عاشورا و مسأله مهدویت، به گونه ای گسترده است که می توان در هر بعدی از ابعاد آن، بحثی را مطرح کرد. برای مثال، می توان در ساحت باطنی آن ها سخن گفت و مسأله را از بعد عرفانی، تحلیل و تبیین کرد. چنان چه می توان از ساحت عالم انسانی به این مسأله نگریست و از ارتباط میان آن ها سخن گفت. همان گونه که در این نوشتار کوتاه، تلاش شده است تا شاید یکی از جلوه های این ارتباط در ساحت عالم انسانی، تبیین شود. عاشورا از یک سو، کامل ترین عبادت تاریخی بشر است و از سوی دیگر، کامل ترین شکل تقابل حق و باطل. در این جاست که بصیرتی برای ادامه سیر تاریخ بشر، فراهم می آید و جبهه حق با بصیرت و انگیزه کافی برای عبور از مراحل مبارزاتی تا عصر ظهور، تشکیل می شود.

طبیعی است که دشمن نیز به این دو نکته، توجه یافته و نسبت به آن حساس شده است؛ لذا از یک سو می کوشد که عبادت و بصیرت مؤمنین را خدشه دار سازد و از سوی دیگر، در صدد جلوگیری از فرآیند تکاملی جامعه بشری است. بنابراین فرهنگ عاشورایی، زمینه ساز سیر تکاملی جامعه بشری به سوی جامعه توحید محور و عدالت گستر مهدوی است.

کلمات کلیدی: جامعه آرمانی، عاشورا، انتظار

تعالیم دینی - و به این قرار تعالیم عاشورا - در بردارنده مجموعه ای از توصیف ها و بایدها و نبایدهای راهبر جریان وجود انسانی و جامعه بشری به سوی آرمانهای پیشنهادی خویش است. این نظریه که سنت و کلام و زندگانی و سلوک امام معصوم برای ما درس زندگی و اندیشه و اخلاق و اجتماع و مدیریت است به معنای آن است که به نقش فرهنگ عاشورا به مثابه یک الگوی فرهنگی حیات فردی و اجتماعی استدلال می کنیم. هرگاه عناصر درونی تعالیم عاشورا را بکاویم، عناصر دخیل در تربیت انسانی و مدیریت اجتماعی را، از قبیل عناصر شناختی، ارزشی، رفتاری، فرهنگی و سیاسی و حتی اقتصادی، درمی یابیم؛ عناصر مزبور به هر حال دارای روابط خاصی میان خویش هستند و ساختار فرهنگی خاصی را به دست می دهند که نوعی تغییر و تحول فردی و اجتماعی خاصی را اگر حتی تجویز نکنند می توانند نفی کنند. عناصر اصلی و نهایی فرهنگ، شناخت ها و ارزشها و هنجارهاست که دین - و به این قرار عاشورا - حاوی همین عناصر شناختی، ارزشی و هنجاری می باشد.

سنت، قول و سیره (فعل و تقریر) معصوم (پیامبر و امام) است که برای مردمان؛ الگو و سرمشق حیات و راهنمای زندگی است. قرآن کریم درباره پیامبر (ص) می گوید: «لقد کان لکم فی رسول الله أسوة حسنة»^۱

و امام حسین (ع) نیز درباره خود می فرماید: «و لکم فیَّ أسوة»^۲

جایگاه فرهنگی عناصر دینی در فرایند تربیت انسانی و تغییر و تحول اجتماعی در تحقیقات فراوان روانشناختی و جامعه شناختی، مورد بررسی قرار گرفته است.^۳

^۱ سوره احزاب، آیه ۲۱.

^۲ مقتل ابو مخنف، ص ۸۶

^۳ ماکس وبر، اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری، ترجمه عبدالمجید انصاری (تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۱)

«عاشورا» و «انتظار»، در تطوّر حیات مکتب شیعه، دو نقطه عطف، محسوب می شوند و با همین دو مفهوم، بسیاری از مبانی، اصول و عقاید مذهب تشیع، مورد مطالعه قرار گرفته و از سایر فرقه ها و نحله های اسلامی، باز شناخته می شود. البته ما معتقدیم که اساس و مبنای تشیع، به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گذاشته شده است و شخصیت هایی مانند حضرت علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسن علیه السلام برای نشو و نشر آن زحمات فراوانی کشیده و مرارت های بسیاری را تحمل کرده اند؛ اما حادثه عاشورا به عنوان انقلابی شناخته می شود که موجب شد بسیاری از زوایای تاریک و پنهان عملکرد خاندان اموی آشکار شود و اسلام حقیقی و نیز حقانیت ائمه علیهم السلام، عیان گردد. پس از واقعه کربلا و امامت ائمه بعدی علیهم السلام، جریان غیبت آخرین امام شیعیان، برجسته ترین موضوعی است که جزء اعتقادات اصلی پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، به شمار می آید. این اعتقاد برخواسته از این اصل است که خداوند هیچ گاه، زمین را بدون حجت نمی گذارد. بر این اساس و با غایب شدن ظاهری حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظرها، مفهوم «انتظار» متولد، و مسئله انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جزء مبانی فکری و عقیدتی واقع شد. بر اساس این مفهوم، اگر چه حجت خدا، در پس پرده غیبت به سر می برد، اما به صورت محسوس و غیر محسوس، جهانیان و خاصه، شیعیان را همواره از عنایات و توجهات خود، بهره مند می کند و لحظه ای از راهنمایی و ارشاد آنان، باز نمی ایستد؛

الف) چشم‌انداز

چشم‌انداز را آرمان اساسی سازمان می‌دانند که انگیزاننده است و برای رسیدن به آن باید به اهداف بلندمدت دست یافت و رویکرد اصلی اعضای سازمان، تحقق چشم‌انداز است. البته ممکن است در راه دستیابی به این امر، به اهداف بسیار بلند و مهمی نیز دست یابند، ولی چشم‌انداز، امری فراتر از این اهداف بلندمدت خواهد بود. گاه، این اهداف بلندمدت با چشم‌انداز خلط می‌شوند. تعاریف صورت گرفته از مفهوم چشم‌انداز را در چند دسته کلی زیر می‌توان بیان کرد:^۵

الف) چشم‌انداز یا بصیرت، در لغت به معنای دانش و بینش، یا فهم معانی حقیقی وقایع و درک شهودی یا بخردانه تحولات در افق آینده است.

ب) چشم‌انداز، به معنای بینش و دوراندیشی مبتنی بر تصور و تجسم آینده است. به‌طور مشخص‌تر، چشم‌انداز در بافت رهبری و سازمان‌ها، یک حالت کلی، مطلوب و پسندیده سازمان در آینده تعریف شده است. چشم‌انداز باید با ترسیم منظری واقعی، معتبر و جذاب از آینده سازمان، شرایطی ایجاد کند که از چندین جهت، بهتر از وضع موجود باشد.

ج) چشم‌انداز، برداشتی ذهنی است که افراد از آینده دارند و موجب ایجاد اشتیاق در افراد برای دستیابی به اهداف می‌شوند. چشم‌انداز، فکر عملی، اعتباربخش و جذاب برای آینده سازمان است.

^۵ مظلومی و محمدی‌نسب، ۱۳۸۵: ۲۰۵ - ۲۱۰

د) چشم‌انداز آرمانی، ترسیم آینده‌ای واقع‌گرایانه، تحقق‌پذیر و جذاب و انگیزشی است و مشخص‌کننده آن است که ما می‌خواهیم چگونه باشیم و به کجا برسیم. چشم‌انداز آرمانی، موتور محرک ما به سوی آینده است. ه) چشم‌انداز، آمیزه‌ای از ارزش، داوری‌های مبتنی بر ایدئولوژی نظام و واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی جامعه است. چشم‌انداز، تصویری از آینده مطلوب را ترسیم می‌کند که هرگاه در ذهن اعضای جامعه جای بگیرد، مسیر حرکت‌ها و دگرگونی‌های آن جامعه هموارتر می‌شود.

در مجموع، ترسیم چشم‌انداز، در چارچوب آینده‌نگری قابل درک است. به همین دلیل، چشم‌انداز را تصویری ذهنی تعریف کرده‌اند که به صورت کلی، منظری از آن در افق دور قابل رؤیت است. گروهی دیگر، چشم‌انداز را تصویری عینی در نظر گرفته‌اند و آن را قابل تجسم و کمیّت‌پذیر می‌دانند. همچنین چشم‌انداز را تصویر آینده، دورنما و منظر تعریف کرده‌اند که در پرتو آن، افراد و گروه‌های آگاه اجتماعی با درک بینش رهبران خردمند، در یک حرکت جمعی، کشور خویش را می‌سازند.^۶

می‌توان گفت چشم‌انداز مطلوب علاوه بر شفافیت جهت و مقصد باید از قوت تجلی‌بخشی تصویری مثبت و روشن از وضعیت آینده برخوردار باشد. البته تصویر ترسیم شده باید نسبت به وضعیت کنونی، بهتر باشد تا زمینه تولید انرژی و برانگیزانندگی کافی را فراهم سازد. چشم‌انداز باید با ارزش‌ها، فرهنگ و تاریخ هر ملت سازگار بوده و چنان شفاف و اشتیاق‌بخش باشد که همگان آن را درک کنند. بلندپروازانه (ایده‌آل) و بلندنظر بودن یعنی قابلیت ایجاد چالش و تلاش برای رسیدن به کمال، یکی دیگر از ویژگی‌های چشم‌انداز مطلوب است. در نظر گرفتن شاخص‌های متعالی و ایده‌آل‌هایی برای عملکرد که زمینه ارزیابی حرکت به سوی دستیابی به آن‌ها را فراهم سازد، یکی دیگر از الزامات چشم‌انداز مناسب است چشم‌انداز مناسب باید قابلیت تبدیل شدن به اهداف کوچک‌تر را برای اجرایی شدن داشته باشد. چشم‌انداز مناسب باید با باورهای

^۶ رضایی و مبینی، ۱۳۸۵: ۴۴

۳- ابعاد جریان اندیشه اصلاحی با عاشورا

قیام امام حسین(ع) از جنبه معرفتی و شناختی، همانا بر اساس دیدگاه و موضع اصلاحی خویش، به دست دادن دیدگاه و تصویری سره و خالص و توانمند از دین و نیز ارائه دیدگاهی دین شناسانه از مجموعه مقولات و موضوعات شناختی دست اندرکار زندگی فردی و اجتماعی آدمیان می باشد. در سنت امام حسین(ع) (سخن و سلوک و سیره او) و عاشوراییان همراهش، می توان این دیدگاه و تصویر را شناخت و آن را استنباط کرد و در قالب یک الگو و مدل شناختی آن را ارائه داد. جنبه های عمده و اصلی اندیشه اصلاح اینگونه اند که:

- «مفهوم اندیشه اصلاح»، فراگیر دو اصل خلوص و توانمندی در حوزه فکر دینی و دو اصل مشروعیت و کارآمدی در حوزه نظام اجتماعی جامعه دینداران است.

- «ابعاد اندیشه اصلاح»، هم شامل شناخت دینی و هم جامعه دینداران است و هم شامل نظریه و عمل یا توصیف و رفتار راهبر و مصلح دینی، می باشد.

- شیوه ها و شکل های اصلاح، که در بخش اصلاح و احیاء و بیداری فکر دینی، روش های خالص سازی و توانمند سازی و در بخش اصلاح جامعه مسلمانی، روش های شکل دهی مشروعیت نظام و کارآمدی آن، مورد نظر هستند، و امام و عاشوراییان همراهش در نهضت اصلاحی خویش این اصل و شیوه ها و شکلها را تبیین کرده و به دست می دهند.

- وجهه دیگر قابل شناخت در اندیشه اصلاحی عاشورا، همانا مراحل و فرآیند درونی نهضت اصلاحی عاشوراست که از مراحل انتظار و تقیه پیش از شکل گیری قیام تا مراحل ارائه الگوی نهضت اصلاحی خود،

تا تربیت نیروهای انسانی همراه و سازماندهی و حرکت آگاهانه با آخرین و نهایی ترین مقدمات در راستای آن الگوی کلی اصلاحی، را در خود دارد.

بر پایه این دیدگاه اصلاحی، مضمون آموزشی - تربیتی و اجتماعی عاشورا، درست تر و بهتر شناخته می شود. بر این اساس، با عاشورا یکی رابطه میان انسان و مذهب و دیگری رابطه جامعه و مذهب، تفسیری درست و بالنده و عینی زندگی ساز و کرامت آفرین و عزت بخش، می گیرد.

از جنبه انسانی اصلاح، با عاشورا، اصل انسان سازی و تربیت انسانی شناخته می شود: یکی دیدگاه دینی امام حسین(ع) و عاشورا در مقوله تربیت و انسان سازی و دیگری: وجهه تربیتی عاشورا و نمونه های عینی تربیت دینی با عاشورا، دریافت می شود.

از جنبه اجتماعی اصلاح نیز، با عاشورا، اصل جامعه سازی و مدیریت اجتماعی شناخته می شود: یکی دیدگاه دینی امام و عاشورا به مقوله مدیریت تحول اجتماعی و دیگری وجهه اجتماعی و جامعه شناختی و مدیریتی نهضت عاشورا و نمونه های عینی اصل مدیریت اجتماعی با عاشورا، دریافت می شود.

مجموعه تعالیم عاشورا در بردارنده عناصر فرهنگی، تربیت انسانی و مدیریت اجتماعی اند که می توانند به مدد روش شناسی سیستمی در قالب یک الگوی شناختی - هنجاری سامان یابند و راهنمای ما به آینده نگری و تصمیم گیری نیز قرار گیرند.

نتیجه گیری

جامعه آرمانی، مظهر ولایت حق: بی گمان مسأله ی مهدویت، ناظر به جامعه ای آرمانی است که همه پیامبران در تمامی ادیان و شرایع الهی، وعده ی آن را به بشر داده اند. پس اگر بخواهیم عصر ظهور را در یک جمله خلاصه کنیم، می باید آن را "عصر تجلی عبودیت حق تعالی در گستره ی جهان" بخوانیم؛ زیرا امام زمان(ع) -

عبد مطلق خدای متعال-عبادتش محور عبادت در همه ی هستی است در روایات شیعی آمده است که هنگام ظهور حضرت عالم به حیات طیبه میرسد؛ کفرونمادها برچیده می شود، حق همه جا را فرا می گیرد؛ این همان جامعه آرمانی است که در عصر امام زمان (عج)، همه پیامبران بدان وعده دادند و انسان در انتظار تحقق آن است. ناگفته نماند که ریشه و خاستگاه تمایل به این موعود، فطرت بشر است؛ زیرا جامعه بشری برای آنکه بتواند از مراحل شرک و مظاهران عبور کند و به مرحله ظهور توحید برسد نیازمند انگیزه است که این انگیزه، در فطرت وی وجود دارد.

باید توجه داشت که دستگاه شیطان، همواره بر همان مفاهیمی دست می گذارد که نزد انسان ها ارزشمند است دشمن نمی تواند باطل را به مردم تحمیل کند، از این رو باطل را با حق درمی آمیزد و به مردم عرضه می کند به طور مثال؛ به جای آزادی واقعی، آزادی بی بندوباری و به جای عبودیت در توحید، عبودیت مشرکانه را بازسازی می کند و به مردم تحویل می دهد.

در هیچ جای تاریخ بشریت، تمام مکارم اخلاقی در برابر تمام رذایل اخلاقی ظهور پیدا نکرده است؛ بلکه در عاشورا است که ولایت حق در برابر ولایت شیطان قرار می گیرد تا در یک درگیری بزرگ حق و باطل از هم جدا شوند. از این روست که فرهنگ عاشورایی، زمینه ساز سیر تکاملی جامعه بشری به سوی جامعه توحید محور و عدالت گستر مهدوی است.

منابع

تاریخ طبری، ج ۷، ص ۲۴۰؛ محمد صادق نجمی، سخنان امام حسین (ع)، (تهران، انتشارات اسلامی، بی تا)، ص ۴۸.

تحف العقول تصحیح و ترجمه علی اکبر غفاری، ص ۲۴۳ - ۲۴۰.

ذوالفقارزاده، محمد مهدی، مدیریت صالحین: رویکردی آینده نگر، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹ ش.

رضایی، محسن و علی مبینی، ایران آینده در افق چشم انداز، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵ ش.

قرآن کریم

کارگر، رحیم. (۱۳۹۹). چشم انداز جامعه منتظر در اندیشه حضرت آیت اله خامنه ای حفظه الله. جامعه مهدوی، ۱(۲) (پیاپی ۲)، ۶۲-۸۵.

کامل الزیارات، ص ۷۵ و قریب به این مضمون اللهوف، ص ۲۵.

گودرزی، غلامرضا؛ ذوالفقارزاده، محمد مهدی، «تصویرپردازی از مدیران آینده: به سوی الگوی قرآنی»، نشریه اندیشه مدیریت، ش ۳، تهران، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۷ ش.

ماکس وبر، اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری، ترجمه عبدالمجید انصاری (تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۱)

مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.

مرتضی مطهری، نهضت های صدساله اخیر (تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۵۹)؛ محمدجواد صاحبی، اندیشه

اصلاحی در نهضت های اسلامی (تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۷).

مظلومی، نادر؛ محمدی نسب، مهدی، «اجرای چشم انداز بیست ساله (ایران ۱۴۰۴) و موانع پیش رو»، (ج ۱)

مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، تهران، ۱۳۸۵ ش.

نهج البلاغه